

مقدمه

هیچ دقت کرده‌اید که در زبان گفتاری روزمره خودتان چقدر از جملاتی استفاده می‌کنید که با «وقتی که» یا «چون که» و یا «خواه» شروع می‌شوند:

۱- وقتی که درس می‌خوانم، به موسیقی گوش می‌کنم.

جمله قیدی جمله اصلی

۲- چون که خسته‌ام، نمی‌توانم در کلاس شرکت کنم.

جمله قیدی جمله اصلی

۳- به سفر خواهیم رفت خواه (چه) تو بیایی خواه (چه) تو نیایی.

جمله اصلی جمله قیدی

در زبان فارسی این جملات را جملات قیدی می‌نامند چون به نحوی جمله اصلی را مَقید می‌کنند. در مثال اول: جمله اصلی «به موسیقی گوش می‌کنم» هیچ محدودیت زمانی ندارد ولی با آوردن جمله قیدی «وقتی که درس می‌خوانم» مشخص می‌شود که «چه زمانی به موسیقی گوش می‌کنم»؛ به عبارت دیگر جمله «وقتی که درس می‌خوانم» در حکم قید زمان برای جمله اصلی است.

در مثال دوم: جمله قیدی «چون که خسته‌ام» در حکم قید علت برای جمله اصلی است.

در مثال سوم: جمله قیدی «خواه تو بیایی خواه تو نیایی» در حکم قید شرط برای جمله اصلی است.

همان‌طور که می‌بینید، جملات قیدی با یک «حرف ربط» آغاز می‌شوند. خوب، انگلیسی‌ها هم مثل ما آدم‌اند! حروف ربطی مثل **when** (وقتی که) و **because** (چون که) دارند که بر سر یک جمله می‌نشینند و جمله قیدی (**Adverb-Clause**) می‌سازند. در درس اول این جمله قیدی یا زمان (**time**)، یا علت (**reason**) و یا شرط (**condition**) را نشان می‌دهد.

حرف اصلی

الف) When - As: حروف ربطی که معنای «وقتی که» می‌دهند.

A: **When** I saw him, he was walking in the street.

= He was walking in the street **when** I saw him.

وقتی که دیدمش، داشت در خیابان قدم می‌زد. (داشت در خیابان قدم می‌زد وقتی که دیدمش.)

B: **As** I was walking along the street, it began to rain.

= It began to rain **as** I was walking along the street.

وقتی که داشتم در خیابان قدم می‌زدم، باران شروع شد. (باران شروع شد وقتی که داشتم در خیابان قدم می‌زدم.)

ب) As - Since - Because: حروف ربطی که معنای «چون که، از آن بایی که» می‌دهند.

A: **As** I was tired, I couldn't attend the class.

= I couldn't attend the class **as** I was tired.

چون که خسته بودم، نتوانستم در کلاس شرکت کنم. (نتوانستم در کلاس شرکت کنم چون که خسته بودم.)

B: **Since** I have to take the final exam, I am studying hard.

= I am studying hard **since** I have to take the final exam.

از آن بایی که (چون که) می‌بایم امتحان پایانی را بدهم، دارم سخت درس می‌خوانم. (دارم سخت درس می‌خوانم چون که می‌بایم امتحان پایانی را بدهم.)

C: **Because** I know English, I can communicate with the foreigner.

= I can communicate with the foreigner **because** I know English.

از آن بایی که (چون که) انگلیسی می‌دانم، می‌توانم با آن بیگانه ارتباط برقرار کنم. (می‌توانم با آن بیگانه ارتباط برقرار کنم چون که انگلیسی می‌دانم.)

ج Whether ... or ... : حرف ربطی که معنای «فواه ... فواه ... (چه ... چه ...)» می‌دهد.

Whether you are young or old, you should take regular exercise.

= You should take regular exercise whether you are young or old.

فواه چون فواه مسن باشید، بهتر است ورزش منظم انجام دهید. (بهتر است ورزش منظم انجام دهید چه جوان چه مسن باشید).



1- Exercise is important because it keeps people's bodies and minds healthy.

ورزش مهم است چون که بدن و روان انسان‌ها را سالم نگه می‌دارد.

2- Since the heart can't lift weights to get stronger, it relies on you to do aerobic exercise.

از آن پایه که قلب نمی‌تواند برای قوی‌تر شدن وزنه بلند کند، به شما وابسته می‌شود تا ورزش هوازی انجام دهید.

3- When you do aerobic exercise, your heart becomes stronger.

وقتی که ورزش هوازی انجام می‌دهید، قلب شما قوی‌تر می‌شود.

4- As people get older, they become less flexible.

وقتی که مردم پیرتر می‌شوند، انعطاف‌پذیری آن‌ها کم‌تر می‌شود.

5- Exercise makes you happy whether you are exercising on your own or with a group.

ورزش شما را شاداب می‌کند چه به تنهایی در حال ورزش هستید چه با یک گروه ورزش می‌کنید.



۱ بعضی وقت‌ها می‌خواهیم یک جمله‌ی قیدی با مفهوم «تا زمانی‌که» بسازیم. در این جا از until یا till استفاده می‌کنیم:

You have to wait until the traffic light changes green. شما مجبورید انتظار بکشید تا زمانی‌که چراغ راهنمایی سبز شود.

۲ در فارسی می‌گوییم:

درس خوانده‌ام از وقتی که به خانه رسیدم. ولی می‌گوییم: درس خوانده بودم وقتی که تو به خانه رسیدی.

ماضی نقلی گذشته‌ی ساده ماضی بعید گذشته‌ی ساده

یعنی ما در فارسی خودمان می‌گوییم:

(الف) «ماضی نقلی + از وقتی که + گذشته‌ی ساده» (ب) «ماضی بعید + وقتی که + گذشته‌ی ساده»

خب، آن‌ها هم مثل ما آدم‌اند! همین دو رابطه را از چپ به راست ولی به انگلیسی بنویسید:

A: "have/has + pp + since + گذشته‌ی ساده"
ماضی نقلی از وقتی که

B: "had + pp + when + گذشته‌ی ساده"
ماضی بعید وقتی که

I have studied since I arrived home.

ماضی نقلی گذشته‌ی ساده

I had studied when you arrived home.

ماضی بعید گذشته‌ی ساده

نتیجه: since هم حرف ربط علت است (چون‌که) و هم حرف ربط زمان است (از وقتی که).

۳ Whether می‌تواند به معنای «که آیا» هم باشد:

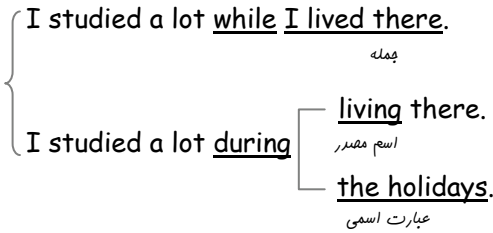
I like to know whether you can speak English.

دوست دارم بدانم آیا تو می‌توانی انگلیسی را صحبت کنی.

۴ بعضی از حروف ربط زمان که بیشتر در تست‌های گرامر cloze می‌آیند، عبارت‌اند از:

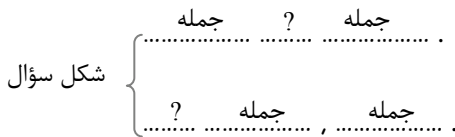
«به مفض این‌که» / as soon as / «قبل از این‌که» before / «تا زمانی‌که» as long as / «بعد از این‌که» after

۵ While (در حالی که) یک حرف ربط زمان می‌باشد و بر ابتدای یک جمله می‌آید، ولی during (در طی) یک حرف اضافه‌ی زمان است و بر ابتدای اسم، اسم مصدر و یا عبارت محتوی اسم می‌آید:



شکل تست و طرز تشخیص این بحث در تست‌ها

شکل سؤال (که در مقابل آمده) این است که دو جمله را می‌دهند و شما باید حرف ربط را انتخاب کنید.



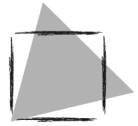
تشخیص نوع سؤال از طریق جواب‌ها است که در گزینه‌ها این چنین می‌بینید: 1) when 2) whether 3) since 4)
 خُب، خیلی راحت جملات را ترجمه کنید:
 برای وقتی که (when یا as)، برای چون که (as یا since یا because) و برای فُواه ... فُواه ...، (whether ... or ...) جواب هستند.

سؤالات و ابهامات دانش‌آموزی

- ۱ اگر در تستی نیاز به مفهوم «وقتی که» داشتیم و هم when و هم as را دادند، چی کار کنیم؟
 ← با هم نمی‌دهند.
- ۲ در بعضی کتاب‌ها، حتی کتاب پارسال خودتون، بین when و as در معنای «وقتی که» فرقی وجود داشت، ولی دیگر آن را ذکر نکرده‌اید؟
 ← وجود داشت ولی از کتاب درسی (قسمت تدریس گرامر) حذف شد و به تبع تست‌های کنکور، این تفاوت را دیگر لحاظ نمی‌کنند.
- ۳ یعنی این قدر تست را ساده می‌دهند که or را بدهند و whether را بخواهند؟
 ← به وفور داده‌اند و در عین ناپاوری شما شک می‌کنید، ولی شک چیز خوبی نیست.
- ۴ این مبحث چند تا سؤال داره؟
 ← یکی در تست‌های گرامر و گاهی یکی در cloze که در تست‌ها خواهید دید.
- ۵ فقط یکی یا دو تا؟
 ← پ.ن.پ، ۲۰ تا از ۲۵ سؤال!
- ۶ در بعضی از جملات هم میشه گفت «وقتی که» و هم «چون که»: وقتی که هوا خوب بود، رفتیم بیرون / چون که هوا خوب بود، رفتیم بیرون
 اگر، هم حرف ربط زمان و هم علت را با هم دادند چی کار کنیم؟
 ← با هم نمی‌دهند.
- ۷ ولی در آزمون‌های آزمایشی با هم می‌دهند؟
 ← در آزمون‌های استاندارد تمام این نکات رعایت می‌شود.
 توجه: قبل از حل تست‌ها به نکات زیر دقت کنید:
 (۱) حتماً سؤالات را در زمان پیشنهادی حل کنید.
 (۲) برای اولین بار در این کتاب، سؤالات cloze که با بحث تدریس شده مرتبط هستند، آورده می‌شوند.



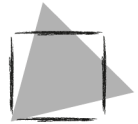
تست های گرامر



1. I was studying in one room, my roommate was having a party in the other room.
 1) During 2) As 3) As soon as 4) Because
2. Max can go to university his family sends him some money or he gets a scholarship.
 1) whether 2) when 3) while 4) since
3. we don't use the car very often, we've decided to sell it. (سراسری تهری ۸۹)
 1) Since 2) While 3) Whether 4) Though
4. Tom has not been able to find any friends he began his search. (سراسری انسانی ۸۹)
 1) because 2) since 3) whereas 4) whether
5. Rita was standing under a tree it began to rain.
 1) until 2) because 3) since 4) when
6. he heard a strange noise, he got up to see what it was.
 1) Because 2) Since 3) When 4) Whether
7. I don't want to go to the zoo it is raining.
 1) because of 2) because 3) whether 4) unless
8. I was late. The teacher had given the test I got to the class.
 1) since 2) when 3) whether 4) until
9. I asked him he had done it all by himself or someone had helped him. (سراسری هنر ۸۹)
 1) as 2) since 3) when 4) whether
10. These movements try to have laws passed to make sure that women are not treated against
 of their sex. (سوالی از "cloze"، سراسری هنر ۸۹)
 1) while 2) whether 3) because 4) though
11. Martina saw the fire, she telephoned the fire department.
 1) While 2) Until 3) As soon as 4) As long as
12. You can't get a driver's license you are at least 18 years old.
 1) unless 2) when 3) since 4) whether
13. you are a good cook, and I am not, you should cook the dinner.
 1) While 2) As soon as 3) Since 4) Until
14. We can enjoy exercising we are young or old. (سراسری ریاضی ۸۹)
 1) whether 2) because 3) since 4) even though
15. I love swimming, I want to go to the swimming pool. (سراسری ریاضی ۸۷)
 1) As 2) Whether 3) Whereas 4) While
16. She bought a bicycle she was unable to afford a car.
 1) whether 2) because of 3) because 4) although
17. He jumped into the river to save the girl she wasn't a good swimmer.
 1) when 2) as 3) while 4) unless
18. I've known many facts I took part in this class.
 1) while 2) as 3) when 4) since
19. A black cat ran across the road I was driving my car to work.
 1) since 2) as 3) because 4) until
20. Carlos had lots of free time and read a lot of books and magazines he was in London. (سراسری تهری ۸۷)
 1) because 2) while 3) during 4) since

21. space exploration is exciting for me, I would like to be an astronaut. (سراسری هنر ۸۷)
- 1) As 2) When 3) While 4) Whereas
22. I didn't get the job I didn't have the necessary qualifications. (آزاد ریاضی ۸۹)
- 1) while 2) because 3) but 4) although
23. the bright green goes away, we begin to see yellow colors in leaves. (سؤالی از "cloze"، آزاد ریاضی ۸۹)
- 1) Although 2) As 3) Since 4) Unless
24. He wanted to know we were doing our homework.
- 1) as 2) whether 3) since 4) while
25. I was getting ready to leave, I heard that my flight had been canceled.
- 1) Until 2) Whether 3) Since 4) While
26. We shouldn't talk about anything to do with work lunch.
- 1) while 2) during 3) since 4) when
27. A blender is a machine for mixing bits of food they become a liquid.
- 1) until 2) when 3) while 4) as soon as
28. Language is a way to communicate with each other. We started to learn language we were born. (سؤالی از "cloze"، آزاد ریاضی ۸۸)
- 1) since 2) as 3) because 4) when
29. In the United States, men and women go to school together and work together, they come to contact with many people. (سؤالی از "cloze"، آزاد ریاضی ۸۸)
- 1) for 2) but 3) so 4) as
30. I usually study English at the weekend I am very busy during the week. (آزاد ریاضی ۸۷)
- 1) when 2) as 3) while 4) whether
31. all of the students had done poorly on the test, the teacher decided to give it again. (سراسری تجربی ۸۵)
- 1) Since 2) Unless 3) Until 4) So that
32. We have to write the letter in French they don't understand English. (سراسری هنر ۸۵)
- 1) since 2) when 3) whether 4) while

سازماندهی واژگان و هم‌نشینی‌های مهم



فرض من بر این است که شما قبل از ورود به این قسمت، کلمات درس اول را می‌دانید. یعنی ترجمه‌ی لغت‌ها را از روی یک واژه‌نامه مثلاً واژه‌نامه‌ی انتشارات خیلی‌سبز حفظ کرده‌ای. حالا برای تثبیت واژگان حفظ‌شده و تداعی آن‌ها و به‌کارگیری فعال آن‌ها در جملات و تست‌های واژگان، در کتاب خیلی‌سبز یک کار حسابی برایتان کرده‌ایم.

اثبات شده است که اگر کلمات در گروه‌های هدفمند دسته‌بندی شوند آن‌گاه یادآوری یا recall آن‌ها بسیار ساده‌تر خواهد بود. مثلاً کسی که در ذهن خود بعد از حفظ کردن اسم **activity (فعالیت)**، ترکیب **human activity** یا «فعالیت بشری» را هم ببیند، بهتر و فعالانه‌تر از این اسم در جملات استفاده می‌کند.

در این درس شما به بهانه‌ی «ورزش و اثرات آن» کلماتی را می‌آموزید. این کلمات را می‌توانید این چنین سازماندهی کنید:

1 **افعالی** که حین ورزش کردن انجام می‌شوند یا پیامد ورزش کردن هستند:

WHEN YOU TAKE EXERCISE

- | | | |
|------------------------------|--------------------|----------------------------|
| 1- get stronger | 7- stretch | 13- pick up |
| 2- increasing blood cells | 8- climb up | 14- lose weight |
| 3- take bike ride | 9- lift weight | 15- stay healthy |
| 4- protect you from injuries | 10- injure oneself | 16- burn up extra calories |
| 5- burn nutrients | 11- breathe deeply | 17- release endorphins |
| 6- bend | 12- walk down | |

حالا معانی‌ای که خودتان برای ترکیبات بالا دارید را با ترجمه‌ای که به شما می‌دهیم مقایسه کنید. دقت کنید کجا اشتباه کرده‌اید و چرا؟ اشتباهات خود را جدی بگیرید چرا که درست معنا کردن عبارت‌ها، مقدمه‌ی درست فهمیدن جملات است!

- | | | |
|--------------------------------|----------------------|-----------------------------|
| ۱- قوی‌تر شدن | ۷- کش آمدن | ۱۳- برداشتن |
| ۲- افزایش دادن سلول‌های فونی | ۸- صعود کردن | ۱۴- وزن کم کردن |
| ۳- دوپرفه سواری کردن | ۹- وزنه بلند کردن | ۱۵- سالم ماندن |
| ۴- محافظت کردن شما از پرامت‌ها | ۱۰- به خود آسیب زدن | ۱۶- سوزاندن کالری‌های اضافی |
| ۵- سوزاندن مواد مغزی | ۱۱- نفس عمیق کشیدن | ۱۷- آزد کردن آندروفین‌ها |
| ۶- فم شدن | ۱۲- پیاده پایین رفتن | |

۲ اعضای (organs) بدن که در درس اول ذکر شده‌اند: (بخوانید و در ذهنتان معنا کنید).

- | | | |
|------------|----------|-----------|
| 1- heart | 6- lung | 11- chest |
| 2- muscle | 7- brain | 12- skull |
| 3- vessels | 8- arm | 13- bone |
| 4- joint | 9- leg | |
| 5- toe | 10- skin | |

حالا ترجمه‌هایتان را چک کنید:

- | | | |
|-------------|-----------------------------|-----------------|
| ۱- قلب | ۶- ریه | ۱۱- قفسه‌ی سینه |
| ۲- عضله | ۷- مغز | ۱۲- پمپمه |
| ۳- رگ‌ها | ۸- بازو (گاهی به معنای دست) | ۱۳- استفوان |
| ۴- مفصل | ۹- پا | |
| ۵- انگشت پا | ۱۰- پوست | |

۳ ترکیب‌های مهمی در درس اول آمده‌اند، آن‌ها را بخوانید و معنا کنید و البته به ذهن و چشمتان بسپارید:

1- keep healthy	10- get tired	19- in other words
2- it is time	11- fine job	20- chemical basis
3- get into	12- stay flexible	21- aerobic exercise
4- rely on	13- in addition	22- compare something with something
5- depend on	14- the same thing	23- what kind of ...
6- over and over	15- body's functions	24- effects on
7- a bit bigger	16- think about	25- do/take exercise
8- work efficiently	17- right for your height	26- feel lonely
9- through vessels	18- on your own	

حالا ترجمه‌هایتان را مقایسه کنید:

۱۹- به عبارت دیگر	۱۰- فسته شدن	۱- سالم نگه داشتن
۲۰- مبنای شیمیایی	۱۱- کار ظریف	۲- وقتش
۲۱- ورزش هوازی	۱۲- منعطف ماندن	۳- وارد بهش شدن
۲۲- چیزی را با چیزی مقایسه کردن	۱۳- به علاوه	۴- بستگی داشتن به، تکیه کردن به
۲۳- چه نوع ...	۱۴- همان چیز	۵- بستگی داشتن به، وابسته بودن به
۲۴- اثرات روی	۱۵- عملگردهای بدن	۶- پندین بار، پشت سر هم
۲۵- ورزش کردن	۱۶- تفکر کردن درباره‌ی	۷- یک زره بزرگ تر
۲۶- اساس تنهایی کردن	۱۷- متناسب با قد شما	۸- مؤثر کار کردن
	۱۸- به تنهایی	۹- از میان رگ‌ها

۴ بعضی کلمات هستند که در قسمت متن درس نیامده‌اند ولی گاهی برای طراحان مهم هستند. یک‌بار دیگر این‌ها را چک کنید که خیالتان راحت شود:

1- statement	8- summarize	15- conditions
2- discussion	9- explanation	16- get off
3- straight	10- find out	17- digest
4- any more	11- reasonable	18- combine
5- material	12- define	19- at the same time
6- mention	13- opinion	20- matter
7- keep from	14- waste	

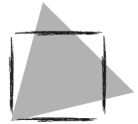
خُب، چک کنید!

۱۵- شرایط	۸- خلاصه کردن	۱- بیان، اظهار، گفته
۱۶- پیاده شدن	۹- توضیح	۲- بهش
۱۷- هضم، خلاصه	۱۰- فهمیدن	۳- مستقیم، صاف
۱۸- ترکیب کردن	۱۱- معقول، منطقی	۴- دیگر
۱۹- هم‌زمان	۱۲- معنی کردن	۵- ماده، پارچه
۲۰- اهمیت داشتن، موضوع	۱۳- عقیده	۶- ذکر کردن، اشاره کردن
	۱۴- هدر دادن	۷- جلوگیری کردن از

توجه: توضیحات تست‌های واژگان، هم به کار تست‌های واژگان می‌آید و هم برای cloze تان بسیار مفید است، پس جدی بخوانید.



تست های واژگان



و حالا چند توضیح که بهتر است بدانید:

الف) تعداد تست‌های واژگان ظاهراً باید با تعداد تست‌های گرامر برابر باشد؛ ولی در این کتاب تست‌های واژگان حداقل دو برابر تست‌های گرامر آورده می‌شوند، زیرا:

۱) چهارتا از تست‌های cloze معمولاً از جنس تست واژه هستند.

۲) در حل تست واژه، شما باید مهارت «مفهوم‌یابی در جمله» را تمرین کنید که این خود به درک پاراگراف‌ها در درک مطلب کمک می‌کند.

ب) جنس تست‌های واژگان مطابق با کنکور، (هم سراسری و هم آزاد اسلامی) طرح شده‌اند. می‌دانید که تست‌های واژگان در کنکور سراسری ساده‌ترند و هم تعداد کلمات شکل‌دهنده‌ی سؤال کم‌ترند و هم معمولاً در متن سؤال کنکور سراسری واژه‌ی خارج از کتاب نمی‌آید. ولی در آزاد اسلامی این‌طور نیست یعنی هم سؤال طولانی‌تر است و هم گاهی واژه‌ی خارج از کتاب دیده می‌شود، البته این واژه‌های غریبه عمدتاً جزو واژه‌های اصلی سؤال نیستند و یا به راحتی قابل حدس‌زدن هستند.

ج) ابتدا سعی کنید جمله را بدون مکث و به شکل «عبارت به عبارت» بخوانید و حداکثر به خودتان اجازه بدهید دو مرتبه جمله را بخوانید. معنا و مفهوم جمله را در نظر بگیرید. یعنی لازم نیست ترجمه‌ی دقیق داشته باشید مگر این‌که با خواندن تست متوجه شوید از نظر شما بیش از یک گزینه درست به نظر می‌رسد، در این‌جا باید به ترجمه بیشتر دقت کنید.

به لطف خدا مطمئنم که اگر واژه‌نامه‌ی 3×1 و توضیحات واژگان ابتدای همین بخش را به همراه یک دور متن درس اول کتاب خوانده باشید، در حل تست‌ها مشکلی نخواهید داشت.

33. I am sorry to you, but could I speak with you for a moment?

- 1) lift 2) bother 3) waste 4) mention

34. Would you the story for the class so far? Try to focus only on important points.

- 1) summarize 2) pick up 3) produce 4) state

35. your knees as much as possible when you pick up something heavy.

- 1) Support 2) Protect 3) Stretch 4) Bend

36. How did you first the music business? How could you start it all by yourself?

- 1) protect from 2) get into 3) rely on 4) suffer from

37. She speaks five foreign languages to English. She's been interested in learning since childhood.

- 1) beside 2) in addition 3) in other words 4) for example

38. It was a terrible fire and the whole building was to the ground.

- 1) created 2) protected 3) brushed 4) burned

39. I need to lose before I go on vacation. I am not going to get tired of walking!

- 1) material 2) period 3) calorie 4) weight

40. Make sure you your teeth twice a day if you don't want to visit a dentist often.

- 1) brush 2) injure 3) protect 4) store

41. You must wear eye protection when handling dangerous

- 1) fuels 2) calories 3) brains 4) chemicals

42. After the accident, I had to go to the police station to give a(n)

- 1) activity 2) statement 3) function 4) injury

43. I think we started our business with each other two years ago.

(سراسری هنر ۸۹)

- 1) exactly 2) recently 3) brightly 4) silently

44. Smoking your chance of getting cancer.

(سراسری زبان ۸۸)

- 1) releases 2) produces 3) increases 4) taps

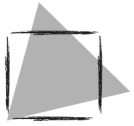
45. Don't buy that car. Its engine doesn't work

(سراسری زبان ۸۸)

- 1) efficiently 2) accidentally 3) developedly 4) actively

46. Only that kind of medicine will have quite a good effect on me. "Effect" means (سراسری ریاضی ۸۸)
- 1) pressure 2) emotion 3) influence 4) function
47. He his job to find a better one. (سراسری تجربی ۸۸)
- 1) separated 2) gave up 3) disliked 4) put off
48. Physical exercise can you against heart diseases. (سراسری هنر ۸۸)
- 1) develop 2) create 3) improve 4) protect
49. Her food Iranian cooking at its best. (سراسری هنر ۸۸)
- 1) suggests 2) experiences 3) magnifies 4) exemplifies
50. If you the old with the new models, you will easily see the changes we've made.
- 1) produce 2) mention 3) explain 4) compare
51. I think natural gas is the best available to heat homes and buildings.
- 1) nutrient 2) fuel 3) material 4) calorie
52. The old lady had to other people to go shopping for her.
- 1) get into 2) rely on 3) compare with 4) pick up
53. Plants draw minerals and other necessary from the soil to be able to live on and grow.
- 1) minds 2) calories 3) nutrients 4) metals
54. I am still about the way this dress looks. It makes me look much older than I am.
- 1) hardworking 2) fine 3) unhappy 4) proud
55. The of the heart is to pump blood through the whole body.
- 1) vessel 2) function 3) trouble 4) effect
56. He has a very sharp He remembers all he has seen in childhood.
- 1) lung 2) material 3) mind 4) activity
57. He is tired of his job. He thinks it is very
- 1) physical 2) mental 3) repetitive 4) straight
58. The Central Mountains for hundreds of kilometers from North to South. (آزاد انسانی ۹۰)
- 1) react 2) hit 3) improve 4) stretch
59. What the newspaper said is not always a fair of what really happened. (آزاد انسانی ۹۰)
- 1) movement 2) encouragement 3) improvement 4) statement
60. E-mail provides a(n) way of communication with people, which is fast and cheap. (آزاد ریاضی ۸۹)
- 1) powerful 2) supportive 3) emotional 4) efficient
61. It is true that love is blind but marriage is eye-opener. (آزاد پزشکی ۸۹)
- 1) definitely 2) terribly 3) emotionally 4) recently
62. I stopped laughing when I realized Mary was about it. (آزاد پزشکی ۸۹)
- 1) religious 2) dangerous 3) conscious 4) serious
63. There is no answer to the problem facing economy. It is a very complex situation. (آزاد انسانی ۸۹)
- 1) wrong 2) direct 3) simple 4) extra
64. She out her arm to take the book, but it was farther than she expected.
- 1) weighed 2) stretched 3) bent 4) touched
65. At the moment, the food is being in special places near the airport.
- 1) stored 2) lifted 3) compared 4) mentioned
66. The amount I earn on the kind of work I do. The harder it is, the more money I make.
- 1) wastes 2) produces 3) depends 4) picks
67. I feel actually to be part of such a successful and famous organization.
- 1) protective 2) proud 3) unhappy 4) extra

68. Missing a meal once in a while doesn't do any to anyone.
 1) choice 2) body 3) harm 4) lesson
69. You should follow the standards if you want to be in your society.
 1) discussed 2) produced 3) expected 4) accepted
70. If you tell him what happened, I'm sure he will understand i.e, he is a(n) man.
 1) important 2) reasonable 3) repetitive 4) mental
71. She manages the business very Everybody is pleased with the products.
 1) mentally 2) repetitively 3) definitely 4) efficiently
72. If you acid and base, you have salt and water.
 1) create 2) combine 3) compare 4) protect
73. Our plans need to be enough to provide the needs of everyone. (سراسری ریاضی ۸۷)
 1) physical 2) repetitive 3) flexible 4) emotional
74. So far, we haven't been able to find much about this metal but we are still on it. (سراسری تبریزی ۸۷)
 1) remembering 2) researching 3) recognizing 4) releasing
75. Scientists believe that activities, particularly mountain climbing and swimming cause good health. (سراسری هنر ۸۷)
 1) actual 2) formal 3) physical 4) mental
76. You can't the weather in the spring time. It will suddenly start raining.
 1) store 2) increase 3) rely on 4) do exercise
77. It was interesting to watch the bird trying to its young.
 1) bother 2) mention 3) bend 4) protect
78. She is always successful in school because she is a student.
 1) hardworking 2) straight 3) repetitive 4) healthy
79. Did you see our neighbor's new car? Their car is ours.
 1) instead 2) besides 3) through 4) like
80. Just because you are on a diet, it doesn't mean you don't need to
 1) create 2) exercise 3) rely 4) stretch
81. The president will make a about the defense strategies today.
 1) period 2) flexibility 3) statement 4) material
82. Most social activists think that the prisoner will be before Christmas.
 1) weighed 2) mentioned 3) touched 4) released
83. The professor said that a of the research findings is now available.
 1) digest 2) weight 3) shape 4) function
84. Could you give me a quick of how it works? We don't have enough time to go into details.
 1) condition 2) comparison 3) suggestion 4) explanation
85. Few people would that twenty minutes of light physical activity should be done every day.
 1) disagree 2) discuss 3) get into 4) mention
86. As soon as you are frightened, some hormones are into the blood to protect you.
 1) stretched 2) bended 3) released 4) stored
87. Words can't how happy I am. I've passed the exams.
 1) find out 2) stretch 3) complete 4) express
88. John was very when his father appeared on TV and he was given Nobel prize. (آزاد انسانی ۸۸)
 1) proud 2) mild 3) protective 4) flexible
89. You will lose weight and become sick, unless you receive all the your body needs. (سراسری زبان ۸۶)
 1) qualities 2) functions 3) definitions 4) nutrients



گرامر

- ۱- گزینه «۲» وقتی که داشتیم در یک اتاق درس می‌خواندم، هم‌اتاقی‌ام در اتاق دیگر در حال برگزاری یک مهمانی بود.
 ۲- گزینه «۱» ماکس می‌تواند به دانشگاه برود فواه (په) فانوازه‌اش برای او پول بفرستد فواه او از کمک‌هزینه‌ی تمهیلی استفاده کند.
 ۳- گزینه «۱» چون که ما از آن ماشین زیار استفاده نمی‌کنیم، تصمیم گرفته‌ایم آن را بفروشیم.
 ۴- گزینه «۲» تا نتوانسته است دوستی پیدا کند از وقتی که بستبویش را شروع کرد.
 زمان جمله‌ی اصلی «ماضی نقلی» است و زمان جمله‌ی قیدی «گذشته‌ی ساده» است:

"گذشته‌ی ساده + **since** + (ماضی نقلی) **have/has + pp**"

از وقتی که

۵- گزینه «۴» ریتا زیر یک درخت ایستاده بود وقتی که باران شروع شد.

۶- گزینه «۳» وقتی که صدای عجیبی شنید، بلند شد ببیند که چه بود.

🔊 شاید فکر کنید که می‌شود بگوییم «چون که صدای عجیبی شنید...» راست می‌گویید ولی آن گاه دو جواب درست داشتیم یعنی هم **because** و هم **since** پاسخ بودند و پاسخ‌های برابر حذف می‌شوند.

۷- گزینه «۲» من نمی‌فواهم به باغ‌وهمش بروم چون که باران می‌آید.

🔊 **because** حرف ربط بیان علت است و بعد از آن جمله می‌آید ولی **because of** حرف اضافه‌ی بیان علت است و پس از آن جمله نمی‌آید بلکه اسم یا یک عبارت می‌آید. عبارت، واحدی از گرامر است که فعل ندارد.

I can't attend the class because I feel bad.

جمله

I can't attend the class because of my sickness.

I can't attend the class because of feeling sick.

عبارت

- ۸- گزینه «۲» من دیر کرده بودم. معلم امتحان گرفته بود وقتی که من به کلاس رسیدم.
 ۹- گزینه «۴» از او پرسیدم که آیا او آن کار را به تنهایی انجام داده بود یا کسی به او کمک کرده بود.
 ۱۰- گزینه «۳» این جنبش‌ها تلاش دارند قوانینی را تصویب کنند تا مطمئن شوند که با زنان به علت جنسیتشان بر رفتار می‌شود.
 ۱۱- گزینه «۳» به مفض این که مارتینا آتش را دید، به آتش‌نشانی زنگ زد.
 ۱۲- گزینه «۱» شما نمی‌توانید گواهینامه‌ی رانندگی بگیرید مگر این که حداقل هیجده ساله باشید.

🔊 حروف ربط شرط در کتاب نیستند ولی به خصوص در cloze ها می‌آیند:

if: اگر , I can't pass if I don't study hard.

نمی‌توانم قبول شوم اگر سفت درس نخوانم.

even if: حتی اگر : (تعجب + شرط) I can't pass even if I study hard.

نمی‌توانم قبول شوم حتی اگر سفت درس بخوانم.

unless (= if... not): مگر این که , I can't pass unless I study. (= if I don't study)

نمی‌توانم قبول شوم مگر این که درس بخوانم (اگر درس نخوانم).



از آن بایی که (پون که) تو آشپز فوی هستی و من نیستم، بهتر است تو شام را پیزی.

۱۳- گزینه «۳»

می توانیم از ورزش کردن لذت ببریم فواه جوان فواه مسن باشیم.

۱۴- گزینه «۱»

از آن بایی که من عاشق شنا کردن هستم، می فواهم به استفر شنا بروم.

۱۵- گزینه «۱»

او یک دوپرفه فرید پون که نمی توانست ماشین بفرد.

۱۶- گزینه «۳»

او پرید به دافل رودخانه که آن دفتر را نجات دهر پون که می دانست آن دفتر شناگر فوی نیست.

۱۷- گزینه «۲»

من واقعیت های زیادی را فومیده ام از وقتی که در این کلاس شرکت کردم.

۱۸- گزینه «۴»

"گذشته ی ساده + since + ماضی نقلی"

took part از وقتی که have known

یک گربه ی سیاه عرض چاره را دوبر وقتی که داشتم با ماشین به سمت کار رانندگی می کردم.

۱۹- گزینه «۲»

کارلوس وقت آزاد زیادی داشت و کتاب های زیادی می فواند زمانی که (در حالی که) در لندن بود.

۲۰- گزینه «۲»

پون که اکتشاف فضایی برای من هیجان آور است، دوست دارم یک فضا نورد باشم.

۲۱- گزینه «۱»

شاید بگوئید این جمله برای معنا کردن سخت است. آخه من لغات exploration و astronaut را نمی دانم.

غصه نخور این واژگان را در درس ششم خواهی خواند.

من شغل را به دست نیاوردم پون که صلاحیت های لازم را نداشتم.

۲۲- گزینه «۲»

وقتی که رنگ سبز روشن مهو می شور، ما به تدریج رنگ های زرد را در برگ ها می بینیم.

۲۳- گزینه «۲»

او می فواست براند که آیا ما داشتیم تکالیفمان را انجام می داریم.

۲۴- گزینه «۲»

در حالی که من داشتم آماده می شدم که عازم شوم، شنیدم که پرواز من کنسل شد.

۲۵- گزینه «۴»

بهتر است در باره ی هر آنچه به کار مربوط می شور در هین نهار حرف نزنیم.

۲۶- گزینه «۲»

مفلوط کن یک ماشینی است برای مفلوط کردن تکه های غذا تا زمانی که آن ها به یک مایع تبدیل شوند.

۲۷- گزینه «۱»

زبان روشی برای برقراری ارتباط با هم دیگر است. ما شروع کردیم به یادگیری زبان وقتی که متولد شدیم.

۲۸- گزینه «۴»

احتمالاً شما پاسخ since (از وقتی که) را داده اید. اتفاقاً معنایی هم که کرده اید قشنگ است! «ما شروع کردیم به

یادگیری زبان از وقتی که متولد شدیم.» ولی یادتان باشد هر وقت می خواهید از since به معنای «وقتی که» استفاده

کنید حتماً باید زمان جمله ی اصلی ماضی نقلی باشد و زمان جمله ی قیدی گذشته باشد. یعنی اگر این جمله به این

شکل بود آن گاه since درست بود:

We have started to learn since we were born.

در ایالات متفره، مردان و زنان با هم به مدرسه می روند و با هم کار می کنند بنابراین با افراد زیادی در تماس هستند.

۲۹- گزینه «۳»

حروف ربطی که معنای «بنابراین» می دهند و نشان دهنده ی «نتیجه گیری» هستند در گرامر کتاب نیستند ولی

در cloze ها می آیند:

«بنابراین» - بدون ویرگول یا با ویرگول قبل می آید → so

«بنابراین» - با ویرگول بعد می آیند → thus/ therefore/ as a result

The weather was stormy, so we stayed home.

= The weather was stormy; thus, we stayed home.

هوا طوفانی بود بنابراین ما در خانه مانسیم.

۳۰- گزینه «۲»
 ۳۱- گزینه «۱»
 ۳۲- گزینه «۱»

من معمولاً انگلیسی را در آخر هفته می‌خوانم چون که در طی هفته فیلدی گرفتارم.
 چون که همه‌ی شاگردان امتحان را بر داده بودند، معلم تصمیم گرفت آن را دوباره بگیرد.
 ما مپویریم نامه را به زبان فرانسه بنویسیم چون که آن‌ها انگلیسی نمی‌فهمند.

واژگان

- ۳۳- گزینه «۲» «متأسفم که شما را ...» خود کلمه‌ی «متأسفم» فضای منفی در جمله ایجاد می‌کند، پس احتمالاً mention و lift حذف می‌شوند. حُب، حالا بین waste و bother کدام‌یک با مفعول you (شما را) می‌آیند. معلوم است «اذیت کردن»، می‌بینید حتی به ادامه‌ی جمله نیز نیازی نداریم!
- ۳۴- گزینه «۱» با خواندن جمله‌ی اول، مفهوم «داستان را برای کلاس ...» در ذهنتان شکل می‌گیرد. تا همین جا produce و pick up حذف می‌شوند. حُب، داستان را یا «خلاصه می‌کنند» یا «بیان می‌کنند»:
- در این جا مفهوم جمله‌ی دوم «فقط نکات مهم» ذهن شما را به summarize هدایت می‌کند.
 می‌شود داستان را برای کلاس تا این جا خلاصه کنید؟ سعی کنید فقط بر نکات مهم تمرکز کنید.
- ۳۵- گزینه «۴» دیدن «زانو» و «بلند کردن» و «چیز سنگین» در جمله کافی است که مفهوم «خم کردن» در ذهن تداعی شود. راستی گزینه‌های (۱ و ۲) هم برابرنند، پس حذف می‌شوند:
 زانوهایتان را تا هر چه قدر ممکن است خم کنید وقتی که چیز سنگینی را برمی‌دارید.
- ۳۶- گزینه «۲» دیدن کلمه‌ی music به عنوان مفعول فعل مورد سؤال خیلی کار را راحت می‌کند. بعید است از موسیقی رنج ببریم (حذف suffer) و غریب است که به آن تکیه کنیم (حذف rely). get into یا «وارد شدن به چیزی» خیلی خوب جواب می‌دهد:
 چگونه برای اولین بار وارد کار موسیقی شدید؟ چگونه فوتتان به تنهایی شروع کردید؟

چندتا get باحال در کنکور یاد بگیرید.

get (v.)

- شدن = become = grow
- رسیدن به = get to = reach
- گرفتن
- سوار شدن on
- پیاده شدن off
- دور شدن away
- بلند شدن up
- وارد شدن in(to)
- برگشتن back

- ۳۷- گزینه «۲» دیدن to بعد از جای خالی شما را به یاد in addition to می‌اندازد!
 او پنج زبان بیگانه علاوه بر انگلیسی صحبت می‌کند. او از بچگی به یادگیری علاقه‌مند بوده است.

گاهی می‌خواهید به حرف‌هایی که در جمله یا جملات قبل گفته‌اید اطلاعاتی موازی و از جنس آن‌ها بیفزایید (مثل همین تست) حُب از رابط «به علاوه» استفاده کنید:

به علاوه

- in addition (to)
- furthermore
- moreover
- besides
- as well as



گاهی می‌خواهید برای جمله‌ای که گفته‌اید مثالی بیاورید؛ خوب بگویید «مثلاً»:

مثلاً
 — for example
 — for instance
 — such as = like
 — e.g.

بعضی وقت‌ها می‌خواهید آنچه را که گفته‌اید به زبان ساده‌تر بیان کنید؛ می‌گویید «به عبارت دیگر»:

به عبارت دیگر
 — in other words
 — i.e.
 — that is
 — that is to say

راستی beside (کنار) را با besides (به علاوه) قاطی نکنید!

۳۸- گزینه «۴» دیدن fire و whole building (کل خانه) در همان سریع خواندن بار اول به راحتی شما را سراغ گزینه‌ی burn می‌برد:

آتش و هشتتالی بود و کل خانه پنهان سوخت که با فاک یکی شد.

۳۹- گزینه «۴» دیدن lose برای انتخاب weight کافی بود. در توضیحات ابتدای واژگان آورده بودم:

لازم است قبل از این‌که به تعطیلات بروم وزن کم کنم. نمی‌فهمم از پیاده‌روی فسته شوم.

وزن کم کردن ≠ lose weight
 — get fat
 — gain weight
 پاق شدن

۴۰- گزینه «۱» دیدن «دندان‌ها» و «دانیزشک» ما را یاد «مسواک زدن» می‌اندازد:

همان‌طور که دندان‌هایت را روزی دو بار مسواک بزنی اگر نمی‌خواهی دندانپزشک را زیاد ملاقات کنی.

۴۱- گزینه «۴» مفاهیم «حفاظت از چشم» و «دست زدن به» و «خطرناک» فقط «مواد شیمیایی» و «مواد سوختنی» را برای انتخاب باقی

می‌گذارد. با انتخاب «مواد شیمیایی خطرناک» خودبه‌خود گزینه‌ی fuel هم پوشش داده می‌شود. مثل تستی که هم در آن «مایع» باشد و هم «آب»، خوب با انتخاب «مایع» گزینه‌ی کامل‌تری آمده است:

باید از محافظت چشم استغاده کنید وقتی که دارید به مواد شیمیایی خطرناک دست می‌زنید.

۴۲- گزینه «۲» در این تست چاره‌ای ندارید جز این‌که بدانید و البته می‌دانید که statement «بیان، اظهار و حرف» است. اصولاً در

کتاب شما سه تا اسم هستند که با حرف زدن مرتبطند و با give و یا make تبدیل به فعل می‌شوند:

سفرانی کردن → give/ make a speech → سخنرانی speech
 نطق کردن → give/ make a presentation → نطق presentation
 (درس دوم)

اظهار کردن، حرف زدن → give/ make statement → اظهار، حرف statement : درس اول

بعد از تصادف، مجبور بودم به اداره‌ی پلیس بروم تا اظهاراتی بکنم.

کلمه‌ی state در کنکور داستان جالبی دارد:

بیان، اظهار، گفته → statement (n.) → بیان کردن (v.) state

حالت، شرایط، ایالت، حکومت state (n.)

۴۳- گزینه «۱» در تست‌هایی که گزینه‌ها از جنس «قید» هستند خیلی با احتیاط و دقت برخورد کنید. قیدها (ly) را با معادل «به‌طور...» یا با «تنوبین» ترجمه کنید. در این جمله «دقیقاً دو سال قبل» کاملاً معنا می‌دهد ولی قید دیگر «اخیراً دو سال قبل» یا «به‌طور ساکت دو سال قبل» خیلی عجیب‌اندا!

من فکر می‌کنم ما با همدیگر کارمان را دقیقاً دو سال قبل شروع کردیم.

۴۴- گزینه «۳» در تست‌های واژه‌ی کوتاه (زیر ۱۰ کلمه) بهتر است از همان ابتدا ترجمه‌ی کامل کنید، چون آن‌قدر کوتاه هستند که کل ترجمه در ذهنتان می‌ماند:

سیگارکشیدن شانس سرطان را افزایش می‌دهد.

increase هم لازم و هم متعدی است:

increase { لازم (بدون مفعول می‌آید) → rise = افزایش یافتن
متعدی (با مفعول می‌آید) → raise = افزایش دادن

۴۵- گزینه «۱» باز هم یک تست کوتاه داریم: آن ماشین را نفر، موتورش فوب کار نمی‌کند.

۴۶- گزینه «۳» وقتی زیر یک کلمه را خط می‌کشند، یا مترادف یا متضاد و یا توضیحش را می‌خواهند. دیگه effect را همه بلدند، پس دنبال influence از سال سوم یا impression از درس آخر سال چهارم به معانی «اثر» می‌رویم:

فقط آن نوع دارو روی من تأثیر نسبتاً فوبی دارد.

اثر گذاشتن affect (v.) = have influence on
اثر effect (n.) = influence
مؤثر effective (adj.) = efficient

۴۷- گزینه «۲» شاید سؤال کنید که give up برای درس اول نیست. آره، ولی قبل از درس اول کتاب چهارم، دوره‌ای از سال سوم آمده است که طراحان آن‌ها را هم مدنظر دارند: شغلش را ترک کرد که یک بوپترش را پیدا کند.

مشتقات give را در کنکور یاد بگیر!

give { back برگرداندن
up = quit رهاکردن، ترک کردن
{ off = radiate تاباندن، فرستادن
{ out = radiate = send
in = hand in تحویل دادن

هم‌چنین put ها مهم‌اند:

put { on پوشیدن
off = delay = postpone به تأخیر انداختن، به تعویق انداختن
out = extinguish خاموش کردن
up (with) = tolerate تحمل کردن

۴۸- گزینه «۴» در هم‌نشینی‌های همین کتاب گفته بودم که «... protect you from» این جمله بر همین اساس است. حروف

اضافه‌ی from و against می‌تواند بعد از protect بیاید و نشان دهند محافظت در برابر یا از چیزی صورت می‌گیرد: ورزش بسمی می‌تواند شما را در برابر بیماری‌های قلبی محافظت کند. گزینه‌های (۱ و ۳) برابرند و حذف می‌شوند.



۴۹- گزینه «۴» جمله کوتاه است، پس می‌شود کامل آن را ترجمه کرد:

آشپزی او (غزای او) مثالی است از دست‌پخت ایرانی در بهترین حالتش.

فعل **exemplify** «مثال‌زرن» یا «نمونه‌ی پییزی بورن» در مقدمه‌ی کتاب یعنی قبل از درس اول آمده است. صفحات اول وازه‌نامه‌ی 1×3 را جدی بخوانید!

۵۰- گزینه «۴» همان ابتدای جمله که می‌گوید: «اگر شما قدیمی‌ها را با مدل‌های جدید ...» به طور طبیعی نشان می‌دهد فعل

«مقایسه‌کردن» مدنظر است:

اگر شما قدیمی‌ها را با مدل‌های جدید مقایسه کنید، به راحتی تغییراتی را که داده‌ایم می‌بینید.

۵۱- گزینه «۲» «گاز طبیعی» در همان اول جمله، گزینه‌ی **fuel** یا «مازه‌ی سوختنی» را تأیید می‌کند:

فکر می‌کنم گاز طبیعی بهترین ماده‌ی سوختنی موجود است که با آن فانه‌ها و سافتمان‌ها را گرم کنیم.

۵۲- گزینه «۲» اصلاً مگر می‌توان جز «وابسته‌بودن» یا «اعتمادکردن» را در این جمله گذاشت. آوردن گزینه‌های دیگر جمله را خنده‌دار

می‌کند. مثلاً: آن خانم مسن وارد دیگران می‌شود! یا آن خانم مسن دیگران را بلند می‌کند!

آن خانم مسن به دیگران وابسته است که برایش به فرید بروند.

﴿۱﴾ تمامی معانی **rely on** را بدانید. در هر جمله‌ای یکی از آن‌ها مناسب‌تر است:

rely on (v.) {

- وابسته‌بودن، اعتمادکردن **depend (on)**: بستگی‌داشتن به
- وابستگی **dependence (n.)**: تکیه‌کردن به
- استقلال **independence (n.)**: اعتمادکردن به

reliable (adj.) = قابل اعتماد

۵۳- گزینه «۳» دیدن **mineral** (مواد معدنی) و **plant** (گیاه) و زنده‌ماندن و رشدکردن همگی «مواد مغذی» را جواب درست معرفی می‌کنند:

گیاهان مواد معدنی و دیگر مواد مغذی ضروری را از خاک می‌کشند تا بتوانند زنده بمانند و رشد کنند.

۵۴- گزینه «۳» در همان خواندن بار اول می‌فهمیم که جملات درباره‌ی «لباس» هستند پس «سخت‌کوش» کنار می‌رود. گزینه‌های (۲ و ۴) مثبت

هستند و **unhappy** منفی است. جمله‌ی دوم کمک می‌کند و نشان می‌دهد که لباس گوینده را پیرتر می‌کند پس «ناراحت» درست است:

من هنوز از ظاهر این لباس ناراحت هستم. کاری می‌کند که من مسن‌تر از آنی که هستم به نظر آیم.

۵۵- گزینه «۲» دیگر همه می‌دانند نقش (وظیفه‌ی) قلب پمپ‌کردن خون است:

نقش (عملکرد، وظیفه) قلب این است که فون را از میان کل بدن پمپ کند.

function (n.) = job, role, operation

این اسم با فعل **perform** تبدیل به فعل می‌شود:

perform a function = play a role

نقش‌داشتن، وظیفه‌ای را برعهده‌داشتن

۵۶- گزینه «۳» دیدن کلمات «تیز» و بعداً «به خاطر آوردن» خیلی راحت ما را سراغ «ذهن» می‌برد:

او ذهن تیزی دارد. همه‌ی آن‌چه در بچگی دیده است را به قاطر می‌آورد.

﴿۱﴾ **mind** هم به شکل اسم و هم به شکل فعل در کنکورها می‌آید:

mind (n.) فکر، ذهن، روان

mind (v.) اهمیت‌دادن (به)

۵۷- گزینه «۳» «خسته از شغل» منفی است و «یک شغل تکراری» هم منفی است:

او از شغلش فسته است. فکر می‌کند فیلی تکراری است.

۵۸- گزینه «۴»

با دیدن کلمه‌ی «کوه‌ها» به نظر هیچ‌کدام از گزینه‌ها درست نمی‌آیند. یعنی رابطه‌ای بین «کوه‌ها» به عنوان فاعل جمله و «واکنش نشان دادن» یا «ضربه‌زدن» یا «پیشرفت کردن» و بالاخره «کش آمدن» وجود ندارد. ولی بعضی از کلمات را باید جور دیگر دید و چشم‌ها را باید شست. مثلاً stretch در معنای «کش آمدن» و «کشیدن» است. خُب «کش آمدن» یعنی «گسترش یافتن» یا «امتداد یافتن» دیگه! کوه‌های مرکزی پندین صد کیلومتر از شمال به جنوب امتداد یافته‌اند.

﴿﴾ کلاً هر درازشدنی در زبان stretch است. اگر خودتان کش می‌آیید، اگر ترافیک گسترش می‌یابد اگر بیابان امتداد یافته است و اگر در بازپرداخت وام بانکی مهلت و تمدیدی داده‌اند، همگی این‌ها کش آمدن و درازشدن کسی یا چیزی است، پس stretch می‌باشند.
stretch = extend

۵۹- گزینه «۴»

دیدن کلمه‌ی «روزنامه» خودبه‌خود ذهن تو را به سمت statement «اظهار، حرف، گفته» در گزینه‌ی (۴) می‌برد: آن‌چه روزنامه می‌گفت همیشه یک اظهار منصفانه از آن‌چه رخ داد نیست.

fair {
(n.) = نمایشگاه
(adj.) = منصفانه، عادلانه = just

۶۰- گزینه «۴»

در بعضی تست‌ها می‌خواهند برای اسم یک صفت بیاورند. یعنی در گزینه‌ها صفت داده‌اند. خوب است قبل از نگاه کلی به جمله ببینید کدام صفت‌ها با اسم موردنظر می‌توانند هم‌نشینی کنند. در این‌جا برای «روش برقراری ارتباط» صفت «قدرتمند» ای بد نیست - صفت «حمایتی» ضعیف است. صفت عاطفی بد نیست - ولی «روش مؤثر» برقراری ارتباط خیلی قشنگ است! ایمیل روش مؤثر برقراری ارتباط با مردم را فراهم می‌کند که سریع و ارزان است.

﴿﴾ صفت efficient با بعضی از اسم‌ها زیاد به کار می‌رود:

efficient (مؤثر) {
way روش
method روش
use استفاده
system سامانه

۶۱- گزینه «۱»

گزینه‌ها از جنس قید هستند پس با دقت معنا کنید:
درست است که عشق (عاشق) کور است ولی ازدواج قطعاً چشم‌ها را باز می‌کند.
احتمالاً طراح از ازدواج تجربه‌ی تلخی داشته است و بدجوری چشمانش باز شده است!

﴿﴾ بعضی قیود در کنکور فاصله‌ی معنایی از ریشه‌ی فعلی یا صفتی خود پیدا می‌کنند:

define معنا کردن → definitely قطعاً
heavy سنگین → heavily فیلی

چند «قید» هستند که معنای «خیلی» می‌دهند و معشوق cloze های کنکور هستند:

terrible	→	terribly	} فیلی
deep	→	deeply	
high	→	highly	
heavy	→	heavily	
extreme	→	extremely	

وشتناک عمیق بالا، مرتفع سنگین شدید

۶۲- گزینه «۴» جمله روان و ساده است، پس از همان ابتدا ترجمه کنید:

من از فتره دست کشیدم وقتی که فهمیدم مری پری است.

۶۳- گزینه «۳» این تست خیلی باحال است! می‌خواهیم برای اسم «پاسخ» صفت مناسب بیاوریم در مواجهه‌ی اول تقریباً همه‌ی پاسخ‌ها

درست هستند: پاسخ غلط، پاسخ مستقیم، پاسخ ساده و پاسخ اضافی این‌جاست که «تضاد» در جمله‌ی دوم به دادتان می‌رسد. وقتی در جمله‌ی دوم از «پپچیده» سخن می‌گویند پس قرینه‌ای است برای انتخاب «ساده» در جمله‌ی اول:

هیچ جواب ساده‌ای برای مشکل رودرروی اقتصار و پور ندارد. آن یک وضعیت پیپیره است.

۶۴- گزینه «۲» از همان ابتدا می‌فهمی که «او دستش را ...» یا «خم می‌کند» یا «دراز می‌کند» و عقلاً برای گرفتن یک چیزی دستشان را «دراز می‌کنند»!

او دستش را دراز کرد که کتاب را بگیرد ولی دورتر از آنی بود که انتظار داشت.

۶۵- گزینه «۱» دیدن «غذا» و «مکان خاص» برای انتخاب «ذخیره کردن» کافی است:

در حال حاضر غذا در یک مکان خاص نزدیک فرودگاه ذخیره می‌شود.

۶۶- گزینه «۳» حرف اضافه‌ی on می‌تواند شما را در مورد depend به شک بیندازد و چه شک مبارکی است!

مقداری که به دست می‌آورم به نوع کاری که می‌کنم بستگی دارد. هر چه سفت‌تر باشم، پول بیشتری به دست می‌آورم.

۶۷- گزینه «۲» دیدن صفات مثبتی چون successful و famous خودبه‌خود گزینه‌های منفی unhappy و گزینه‌ی خنثی‌ای چون extra را حذف می‌کند:

واقعاً اساس غرور (مفتخر بودن) می‌کنم که عضو پنین سازمان مشهور و موفق باشم.

۶۸- گزینه «۳» جمله روان و ساده است، پس از همان ابتدا با ترجمه جلو می‌رویم:

از دست دادن یک وعده‌ی غذایی گه‌گاهی هیچ ضرری برای کسی ندارد.

۶۹- گزینه «۴» در تست‌های واژه گاهی باید به مفهوم «شوندگی» در معنا دقت کنید. بعداً مثال‌هایی خواهید دید که اگر فعل مجهول را

معلوم معنا کنید گزینه را اشتباه می‌زنید. قبل از جای خالی to be وجود دارد و گزینه‌ها از جنس pp هستند، پس این فعل مجهول است. یعنی جای خالی را با مفهوم «شدن» معنا می‌کنیم:

شما بایر از استانداردها پیروی کنید اگر می‌فواهید در جامعه‌تان پذیرفته شوید.

اشتباه نکنیدها!

پذیرفتن (v.) accept (v.)
جنبه، ویژگی (n.) aspect (n.)

انتظار داشتن (v.) expect (v.)
به‌جز، به استثنای (prep.) except (prep.)

۷۰- گزینه «۲» فعل understand (درک کردن، فهمیدن) نشان می‌دهد که بهترین صفت برای اسم reasonable man (منطقی، معقول) می‌باشد:

اگر به او بگویی چه رخ دارد، مطمئن هستم او درک فواهد کرد، به عبارت دیگر او یک مرد منطقی است.

۷۱- گزینه «۴» قید «کارش» بیان نحوه‌ی انجام فعل است. فعل جمله «مدیریت کردن» است. چگونه مدیریت می‌کند؟ به خوبی، کارآمد

قیود دیگر معمولاً نحوه‌ی مدیریت را بیان نمی‌کنند. «به طور تکراری»، «به طور ذهنی» قیود جالبی برای مقیدکردن «مدیریت کردن» نیستند:

او کارش را خیلی فوب (مؤثر) مدیریت می‌کند. همه از محصولات راضی هستند.

۷۲- گزینه «۲» سال‌هاست در ذهنمان (نه در آزمایشگاه) اسید و باز را ترکیب می‌کنیم:

اگر شما اسید و باز را ترکیب کنید، آب و نمک فواهد داشت.

۷۳- گزینه «۳» می‌خواهیم برای «طرح و برنامه» صفت بیاوریم و بگوییم «طرح‌هایمان لازم است باشند». جسمی و تکراری و عاطفی خودبه‌خود حذف می‌شوند. آره طرح باید «انعطاف‌پذیر» باشد:
 طرح‌های ما لازم است به اندازه‌ی کافی انعطاف‌پذیر باشند تا نیاز همه را برطرف کنند.

﴿﴾ اگر بدنتان انعطاف‌پذیر است، اگر اخلاقتان انعطاف‌پذیر است، اگر قیمت‌ها در یک فروشگاه انعطاف‌پذیرند، اگر ساعت‌های کاری در جایی انعطاف‌پذیرند و اگر روشی انعطاف‌پذیر است همگی این‌ها یعنی قابلیت انطباق با شرایط مختلف را دارند و همگی flexible یا adaptable هستند.

۷۴- گزینه «۲» دیدن کلمات «پیداکردن» و «فلز» ذهن شما را به سمت «تحقیق کردن» و یا «شناختن» در گزینه‌ها می‌برد:
 تا به حال نتوانسته‌ایم چیز زیادی درباره‌ی این بفهمیم ولی هنوز داریم رویش تحقیق می‌کنیم.
 ۷۵- گزینه «۳» دیدن کلمات «کوه‌نوردی» و «شناکردن» به خوبی شما را به سمت «فعالیت‌های جسمی» می‌برد:
 دانشمندان معتقدند که فعالیت‌های جسمی به فصوص کوه‌نوردی و شناکردن منجر به سلامتی می‌شوند.



۷۶- گزینه «۳» در این‌جا جملات کوتاه و روان هستند، پس فقط ترجمه می‌کنید:
 شما نمی‌توانید به هوای بهاری اعتماد کنید. ناگهان باران شروع می‌شود.
 ۷۷- گزینه «۴» جمله کوتاه و روان است، پس ترجمه می‌کنیم:
 جالب بود که می‌دیدم پرنده سعی می‌کرد از بچه‌هایش محافظت کند.
 ۷۸- گزینه «۱» دیدن صفت «موفق» برای شاگرد، خودبه‌خود «سخت‌کوش بودن» او را هم تأیید می‌کند:
 او همیشه در مدرسه موفق است زیرا او یک شاگرد سخت‌کوش است.
 ۷۹- گزینه «۴» آیا ماشین پریر همسایه‌ی ما را ریدری؟ ماشینان مثل ما است.

﴿﴾ like به عنوان حرف اضافه به معنای «مثل» می‌باشد. در این صورت بعد از آن «اسم» یا «اسم مصدر (ing)» به کار می‌بریم.

۸۰- گزینه «۲» دیدن کلمه‌ی diet (رژیم غذایی) شک ما را به سمت گزینه‌ی «ورزش» می‌برد:
 فقط به این دلیل که شما رژیم غذایی دارید، به این معنا نیست که شما لازم ندارید ورزش کنید.
 ۸۱- گزینه «۳» رئیس‌جمهور امروز درباره‌ی استراتژی‌های دفاعی اظهار نظر فواید کرد.
 ۸۲- گزینه «۴» خُب زندانی‌ها «آزاد می‌شوند» دیگر!
 بیشتر فعالان اجتماعی فکر می‌کنند که زندانی‌ها تا قبل از کریسمس آزاد خواهند شد.

﴿﴾ چه ماده‌ای در بدن آزاد شود، چه گازی در هوا آزاد شود، چه کسی از چیزی آزاد شود، و حتی چه آلبوم آهنگی آزاد شود (یعنی بیرون بیاید)، همگی این‌ها release را نشان می‌دهند.

۸۳- گزینه «۱» شما باید بدانید که digest اگر فعل باشد، به معنای «هضم‌کردن و فهمیدن» است و اگر اسم باشد به معنای «فلاصه» و «پلیده» است:
 پروفیسور اعلان کرد که اکنون فلاصه‌ای از یافته‌های تحقیقاتی موهوب است.



- ۸۴- گزینه «۴» در این تست فقط ترجمه‌ی دقیق است که شما را به گزینه‌ی درست می‌رساند:
می‌توانید به من یک توضیح سریع بدهید که آن چگونه کار می‌کند؟ وقت کافی نداریم که وارد جزئیات شویم.
- ۸۵- گزینه «۱» ابتدا با دیدن فاعل «افراد کم» می‌رویم ببینیم کدام فعل مناسب است. بدبختی همه درست هستند! پس باید ترجمه کرد:
افراد کمی مخالف هستند که (اکثر افراد موافق اند که) بیست دقیقه فعالیت جسمی سبک باید هر روز انجام شود.
- ۸۶- گزینه «۳» دیدن کلمات «هورمون» و «داخل خون» برای انتخاب «آزادشدن» کافی است:
به مفض این که شما بترسید، چند هورمون به داخل خون می‌شوند که از شما حمایت کنند.
- ۸۷- گزینه «۴» جمله کوتاه است، پس ترجمه‌اش می‌کنیم:
کلمات نمی‌توانند بیان کنند که من چه قدر خوشحال هستم. قبول شده‌ام!
- ۸۸- گزینه «۱» وقتی چشم شما به «جایزه‌ی نوبل» در آخر جمله می‌افتد چه حسی دارید؟ خُب، غرور و افتخار:
جان فیلی مفتخر بود وقتی که پدرش در تلویزیون حاضر شد و به او جایزه‌ی نوبل داده شد.
- ۸۹- گزینه «۴» بعد از جای خالی می‌گویید «بدنتان نیاز دارد». خُب، بدنتان به کدام گزینه نیاز دارد؟ «مواد مغذی»:
شما وزن از دست فواید دار و مریض می‌شوید مگر این که همه‌ی مواد مغذی که بدنتان نیاز دارد را دریافت کنید.
- ۹۰- گزینه «۳» «دستش را برای این که سیب را بگیرد» معلوم است که «دراز می‌کند»:
تمام تلاش فودرش را کرد که دستش را دراز کند تا سیب را بگیرد ولی نتوانست.
- ۹۱- گزینه «۱» وقتی این جمله‌ی طولانی را بار اول می‌خوانید این قدر می‌فهمید که دو نفر می‌خواهند توافق کنند پس گزینه‌ی «انعطاف‌پذیر» به نظر درست می‌آید حالا ترجمه را چک کنید:
دو نفر که با هم دیگر حرف می‌زنند تا به توافق برسند، راحت‌تر می‌توانند به هدفشان برسند اگر یک زره منعطف باشند.

چندتا نکته‌ی قشنگ در خود سؤال وجود دارد:

reach an agreement به توافق رسیدن

achieve a goal به هدف دست‌یافتن

و به کاربرد a little و a bit به معانی «یک زره» یا «یک کم» قبل از صفت اشاره شده است.

- ۹۲- گزینه «۲» همان ابتدای جمله که می‌گویید «بنابراین می‌توانیم ... و بگوییم که ...»، بین دو گزینه‌ی «خلاصه‌کردن» و «تعمیم‌دادن» (generalize) قرار می‌گیریم. چون در ادامه از اکثریت سخن می‌گویید و نه از همه، بنابراین «تعمیم‌دادن» کمی ضعیف‌تر می‌شود. البته بنده‌ی حقیر اصلاً با طرح چنین سؤال ابهام‌آوری موافق نیستم!
بنابراین می‌توان فاصله کرد و گفت بیشتر مصلان ما از طبقه‌ی متوسط هستند.
- ۹۳- گزینه «۲و۱» خُب، گاهی در کنکور پیش می‌آید! البته بسیار به ندرت که دو جواب درست باشند.
ما قویاً (به شدت) (با انتخاب strongly) - ما با سربلندی (با غرور) (با ترجمه‌ی proudly) مخالف حضور آمریکا در آن کشور هستیم.
- ۹۴- گزینه «۴» جمله‌ی راحتی است و ترجمه می‌کنیم:
به منظور انجام ورزش در سطح جهانی، باید کاملاً سالم بود.
- ۹۵- گزینه «۳» با نگاه به جمله‌ی اول مفهوم «ذکرکردن و اشاره‌کردن» مناسب می‌نماید:
حالا که شما آن را ذکر کردید، من هم فکر می‌کنم او دیشب عیب رفتار می‌کرد.
- ۹۶- گزینه «۳» حرف اضافه‌ی through را خیلی دقیق معنا کنید یا آن را «از میان» معنا کنید یا «از طریق»:
بعضی مهارت‌ها وجود دارند که فقط می‌توان آن‌ها را از طریق تجربه به دست آورد.
- ۹۷- گزینه «۲» همان آخر جمله که از «افتادن» استفاده می‌شود، «ارتفاع» هم تداعی می‌شود:
آن یک حادثه‌ی غیرطبیعی بود که گردش با وجود افتادن از آن ارتفاع نشکست.